

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیری
۱۳ مارچ ۲۰۲۰

مبارزه برای افزایش دستمزد و مقاومت در برابر سرکوب آن



گمان نمی‌کنم هیچ کارگر، هیچ زحمتکش، هیچ مزدبگیر و به طور کلی، هیچ انسان خردمندی با افزایش دستمزد، یا به عبارتی، با افزایش درآمد به ازای کار و به تبع آن، با بهبودی شرایط معیشتی کسانی که با فروش نیروی کارشان (فیزیکی یا فکری) زندگی خود را تأمین می‌کنند، یا بازنشستگان که در دوره شاعلیت برای گذران سال‌های پیری پس‌انداز کرده‌اند، مخالف باشد، جز استثمارگران، سرمایه‌داران سبک سر و دولت‌های منصوب آن‌ها که مانند زالو با مکیدن خون کارگران ثروت می‌اندوزند و چاق می‌شوند!

بر اساس توضیح فوق، من هم مبارزه برای افزایش دستمزد و مقاومت در برابر سرکوب آن را همیشه ضروری، واجب و لازم می‌دانم و از آن قویاً حمایت می‌کنم. منتها، به شرطها و شروطها! و گرنه، پشتیبانی بدون قید و شرط می‌رسد به همینجا که اکنون بعد از ۴۵ سال رسیده است.

سال جاری روزهای آخرش را سپری می‌کند و همراه عطر و بوی بهار، خبر اعتراضات به عدم کفاف دستمزدها برای تأمین معاش توده‌های کار و زحمت، به کوچکتر و بی‌رنگتر شدن سفره بیش از ۷۰ درصد جامعه به گوش می‌رسد. اصولاً مبارزه برای افزایش دستمزد و مقاومت علیه سرکوب آن زمانی اتفاق می‌افتد که در اثر بحران اقتصادی و بالا رفتن روزافزون میزان تورم، قیمت کالاها یا به عبارتی هزینه زندگی مدام افزایش می‌یابد. در نتیجه، تعادل دخل و خرج به هم می‌خورد.

در این ارتباط، اگر به گزارش مرکز آمار ایران در بهمن ماه سال جاری توجه کنیم، جای تردید باقی نمی‌ماند که سیاست اقتصادی مملکت در واقع، یک فاجعه تمام عیار است. به طوری که نرخ تورم ساعت به ساعت، روز به روز، ماه به ماه و سال به سال افزایش می‌یابد. گزارش مرکز آمار ایران در اینجا.

در خصوص افزایش قیمت‌ها در اثر تورم یا بالعکس، یک مورد هم من بگویم. مثلاً، یک لیتر بنزین: در سال ۱۳۵۷-۵ ریال، در سال ۱۴۰۳-۳۰۰۰۰ ریال. نرخ افزایش-۶۰۰۰ برابر و قیمت سایر کالاها و مایحتاج عمومی نیز به همین ترتیب و قس علی‌هذا! حالا برویم سر اصل مطلب، یعنی سر این موضوع که بدون شناخت علل و عوامل بحران اقتصادی و تورم ناشی از آن و تلاش مسؤولانه برای رفع و دفع آن‌ها، آیا مبارزه صرف برای افزایش دستمزدها، به بهبودی شرایط زیستی مزدگیران و بازنشستگان می‌انجامد یا خیر.

در این رابطه چند سوال پیش می‌آید:

- این چندمین بار و چندمین سال است که خواست پویش افزایش دستمزد تکرار می‌شود؟
- نتیجه چند ده سال پویش افزایش دستمزد چه بوده است؟ آیا شرایط معیشتی مزدگیران و بازنشستگان بهبود یافته یا وخیم‌تر شده است؟

- پویش افزایش دستمزد بعد از چند بار و چند سال دیگر، می‌تواند به سرانجام مثبت برسد و متوقف شود؟

- ارزش پول ملی یا قدرت خرید ارز ملی چطور؟ بهتر شده یا بدتر؟

- بفرض، دستمزدها دو برابر، سه برابر و یا ... افزایش یافت. بعد، چه؟ مشکل حل خواهد شد؟

- در صورت موافقت نهادهای ذیربط، معیشت مزدگیران چقدر بهبود خواهد یافت و بهبودی احتمالی تا چند دوام خواهد داشت؟

- میزان دستمزدها در سال ۵۷ و اوایل سال ۵۸ با رقم هزار نشان داده می‌شد، بعد از چهار و نیم دهه به رقم میلیون رسیده، آیا به رقم میلیارد یا حتی تریلیون برسد، متوقف خواهد شد، شرایط معیشتی چه؟ بهبود خواهد یافت؟
با این حال، امسال من با طرح یک پرسش دیگر، که آیا سال آینده نیازی به پویش افزایش دستمزد نخواهد بود، به جای پویش ۷۰ درصدی، پویش ۱۰۰ درصدی یا حتی ۲۰۰-۳۰۰ درصدی را پیشنهاد می‌کنم.
اما بر اساس پاسخ قطعاً منفی همه پرسش‌های فوق و با در نظر گرفتن نظام اقتصادی حاکم بر کشور و تسلط دالر امپریالیستی- صهیونیستی بر آن و همچنین، نهادینه شدن فساد، دزدی، رانت‌خواری و دیگر اشکال فساد در ساختارهای حاکمیتی، پیشنهادم را به ترتیب آتی تصحیح و تکمیل می‌کنم:

- **پویش افزایش دستمزد باید ناظر بر اجرای سیاست اقتصادی منطبق بر اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی و امتناع از دستورالعمل‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تثبیت و کنترل قیمت کالاها، به خصوص مایحتاج عمومی، ملی کردن بازرگانی خارجی، کوتاه کردن دست بانک‌های خصوصی و صرافی‌ها از معاملات ارزی، کنترل، تعیین و تثبیت نرخ ارز توسط بانک مرکزی، مبارزه همه‌جانبه و قاطع با فساد گسترده در کشور و غیره همراه باشد.**
این موارد، لزوماً و باید در سرلوحه کشاکش بر سر افزایش دستمزدها یا همان پویش قرار گیرد.

بدون مبارزه برای تحقق مسائل مهم فوق‌الذکر، همچنان که تجربه چندین ده باره پویش افزایش دستمزد به روشنی ثابت کرده است، پویش دستمزد نه تنها ۷۰ درصدی، حتی ۱۰۰ درصدی یا بیشتر امسال نیز نه فقط موجب هیچ گشایشی در زندگی عامه توده‌ها نخواهد شد، بلکه به عکس، به فروپاشی کامل اقتصاد کشور و به هرز رفتن کار و فعالیت تلاشگران پویش دستمزد خواهد انجامید.

به عبارت روشن‌تر، پافشاری بر تکرار تلاش و تقلاهائی ناموفق، پویش افزایش دستمزد امسال نیز مانند سال‌های قبل، نه تنها مثر ثمر نخواهد بود، حتی به تشدید و وخیم‌تر شدن اوضاع معیشتی مزدگیران و بازنشستگان و همچنین، به سقوط آزاد ارزش پول ملی یا به عبارت دقیق‌تر، به سقوط ارزش کار و سطح زندگی اجتماعی منجر خواهد شد.

به اساس نتایج منفی و کلاً ناموفق تلاش‌های مکرر چندین ده باره پویش دستمزد، می‌توان گفت که این روش رفورمیستی، در واقع، محصول اتاق‌های فکر محافظ بورژوازی است که با هدف منحرف کردن مبارزات مزدبگیران از حل ریشه‌ی مشکلات اقتصادی، ممانعت از مبارزه سازمانیافته کارگران و زحمت‌کشان برای احقاق حقوق طبیعی شان و مخالفت آشکار با تأمین زندگی آبرومندانه مزدبگیران و بازنشستگان راه‌اندازی شده است. به احتمال قوی، خود مزدبگیران و حامیان پویش افزایش دستمزدها نیز چندان توجهی به ابعاد ناکارآمدی این روش رفورمیستی نداشته، قطعاً به طور ناخواسته و ندانسته تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند.

با این حال، همچنان که فوقاً اشاره شد، راه‌های دیگری برای جلوگیری از بروز بحران اقتصادی و توقف تورم روزافزون، برای بهتر زندگی کردن و بهبودی شرایط معیشتی وجود دارد. باید روش‌های سالم و کم هزینه تحقق آن‌ها، مثلاً، ملی کردن بازرگانی خارجی را جست!

۲۱ اسفند- حوت ۱۴۰۳